

# تحلیل تغییرات شاخص قیمت و تورم در زمستان ۱۳۹۷

معاونت پژوهش‌های اقتصادی  
دفتر: مطالعات اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰  
شماره مسلسل: ۱۶۵۱۰  
تیرماه ۱۳۹۸

## به نام خدا

### فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. تغییرات نرخ تورم در سه‌ماهه زمستان ۱۳۹۷.....
۱۰.....	۲. تحلیل عوامل مؤثر بر شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ تورم در زمستان ۱۳۹۷.....
۱۰.....	۲-۱. عوامل بلندمدت و سیاستگذاری‌ها.....
۱۰.....	۲-۱-۱. رشد نقدینگی و تغییر در ترکیب نقدینگی.....
۱۳.....	۲-۱-۲. کسری بودجه.....
۱۶.....	۳. عوامل مؤثر بر تورم در سال ۱۳۹۸.....
۱۷.....	۳-۱. کسری بودجه و سیاست مالی.....
۱۷.....	۳-۱-۱. کاهش درآمدها.....
۱۸.....	۳-۱-۲. سیاست‌های حمایتی.....
۱۹.....	۳-۲. رفتار بانک مرکزی در مدیریت شبکه بانکی (سیاست پولی).....
۲۰.....	جمع‌بندی.....
۲۲.....	پیوست - توضیحاتی پیرامون اختلاف آماری تورم مرکز آمار و بانک مرکزی.....
۲۴.....	منابع و مأخذ.....



## تحلیل تغییرات شاخص قیمت و تورم در زمستان ۱۳۹۷

### چکیده

نرخ تورم در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۷ روند پرنوسانی داشت. در حالی که در دی‌ماه نرخ تورم ماهیانه به ۲ درصد رسیده بود، اما مجدداً در بهمن‌ماه رو به افزایش گذاشته و در اسفند به ۳/۹ درصد رسید. همچنین از منظر گروه‌های کالایی، با توجه به رشد ۸/۳۵ درصدی شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان، ۱۷/۶۱ درصد از رشد این شاخص ناشی از رشد قیمت کالاهای اساسی مصرفی (و نه همه ۲۵ قلم کالای اساسی که در شاخص قیمت تولیدکننده نیز قرار دارد)<sup>۱</sup> بوده است. این در حالی است که وزن این اقلام در شاخص کل تنها ۸/۳ درصد است. بنابراین رشد قابل ملاحظه قیمت کالاهای اساسی موجود در شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز، که به دلیل تعدیل قیمت این کالاها با نرخ ارز در بازار آزاد رخ داده، از جمله عوامل مؤثر بر رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷ بوده است.

مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نرخ تورم در زمستان ۱۳۹۷، افزایش و تغییر در ترکیب نقدینگی، نوسانات نرخ ارز و گذر آن بر نرخ تورم، کسری بودجه و همچنین افزایش قیمت کالاهای اساسی بوده است. در میان عوامل کوتاه‌مدت اثرگذار بر شاخص قیمت‌ها، نوسانات نرخ ارز که خود معلول و علت افزایش نقدینگی و به خصوص افزایش سهم «پول» از نقدینگی (و سایر عوامل مانند نزدیک شدن به مدت پایان معافیت ۶ماهه تحریم ایران و سایر شوک‌های سیاسی) بوده بر شاخص قیمت در اسفندماه اثرگذار بوده و باعث افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده در اسفندماه شده است.

مهم‌ترین اتفاق قابل توجه در زمستان ۱۳۹۷ در ارتباط با رشد شاخص قیمت‌ها، سررسید شدن اوراق گواهی یکساله سال ۱۳۹۶ بوده است. این اوراق که در انتهای سال ۱۳۹۶ با نرخ سود ۲۰ درصد منتشر شد، در اواخر بهمن‌ماه ۱۳۹۷ سررسید شده و حدود ۱۸۰ هزار میلیارد تومان به حجم «پول» اضافه کرد (که البته بخشی از آن می‌تواند مجدداً به شبه‌پول تبدیل شده باشد).

همچنین افزایش کسری بودجه دولت در ۹ماهه نخست سال ۱۳۹۷ نیز از جمله عوامل اثرگذار بر شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷ بوده است. در حدود ۴۱ درصد از بدهی دولت به بانک مرکزی در ۹ماهه نخست سال ۱۳۹۷، در سه‌ماهه پاییز ۱۳۹۷ ایجاد شده که این رشد قابل توجه در بدهی دولت به بانک مرکزی در تورم زمستان ۱۳۹۷ مؤثر بوده است.

۱. اقلام مورد نظر شامل: برنج خارجی، گوشت گوسفند، گوشت گوساله، مرغ ماشینی، تخم‌مرغ ماشینی، روغن مایع، لوبیا چیتی، عدس، شکر و چای خارجی بسته‌ای.

مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تورم سال ۱۳۹۸ کیفیت سیاست‌گذاری‌هاست. تشدید تحریم‌ها و کاهش درآمدهای دولت در کنار افزایش هزینه‌های ناشی از سیاست حمایتی که باید در این سال به اجرا گذاشته شود، منجر به کسری بودجه خواهد شد که نحوه تأمین مالی این کسری بودجه مهم‌ترین عامل اثرگذار بر نرخ تورم ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۸ خواهد بود. سایر عوامل مانند سیاست‌های پولی و کنترل نقدینگی و همچنین مدیریت نظام ارزی و کاهش نوسانات نرخ ارز نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در حقیقت سیاست مالی و چگونگی تأمین کسری بودجه بر سیاست پولی و نقدینگی و همچنین سیاست ارزی و مدیریت بازار ارز (با توجه به تصمیم دولت برای اختصاص ارز ترجیحی و...) نیز اثرگذار بوده و از این رو عنوان می‌شود مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تورم در سال ۱۳۹۸، سیاست مالی دولت خواهد بود.

### مقدمه

نرخ تورم شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی یکی از نماگرهای مهم اقتصادی است که علاوه بر آنکه تغییرات هزینه‌های مصرفی خانوارها را در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد، به منظور طراحی برنامه‌های رفاهی و تأمین اجتماعی، تعدیل مزد و حقوق‌های پرداختی، تنظیم قراردادهای مالی داخلی و بین‌المللی، حل دعاوی حقوقی، تعیین قدرت خرید پول کشور، برآورد نرخ ارز تعادلی و همچنین به عنوان تعدیل‌کننده قیمت‌های جاری به قیمت ثابت در حساب‌های ملی استفاده می‌شود.

نرخ تورم و نوسانات آن؛ مهم‌ترین متغیر اقتصادی علامت‌دهنده به فعالان اقتصادی است و از این رو لازم است تا همواره تحلیلی بر تغییرات نرخ تورم صورت گیرد. به طور معمول گزارش‌های دوره‌ای تورم در کشورهای مختلف دنیا، توسط بانک‌های مرکزی منتشر می‌شود که شامل تحلیلی بر مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نرخ تورم در دوره مورد بررسی، تحلیل عوامل اثرگذار در دوره بعدی و سیاست بانک مرکزی در قبال نوسانات اقتصادی و تعیین نرخ تورم هدف است.

متأسفانه چنین گزارشی توسط بانک مرکزی ایران منتشر نشده و اصولاً نرخ تورم هدف و سیاست بانک مرکزی برای دستیابی به اهداف تعیین شده مشخص نیست. از این رو مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به منظور برآورده کردن نیاز پژوهشی خود و همچنین نیاز نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای دستیابی به تحلیلی بر سیاست‌های اتخاذ شده و آثار آن بر شاخص‌های قیمت، اقدام به انتشار گزارش‌های تحلیلی فصلی تورم کرده است. این گزارش‌ها که در پایان هر فصل منتشر می‌شود شامل مروری بر آخرین تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نرخ تورم در دوره گذشته و مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نرخ تورم در دوره آینده خواهد بود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از سال گذشته اقدام به انتشار گزارش‌های دوره‌ای (فصلی) تحلیل تغییرات شاخص قیمت و نرخ تورم کرده است. با توقف انتشار آمار توسط بانک مرکزی و از آنجایی



که گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها بر اساس داده‌های منتشر شده بانک مرکزی بوده است، به منظور هماهنگی گزارش‌ها و آمارهای منتشره با یکدیگر، انتشار گزارش‌ها در این خصوص نیز متوقف شد. با این حال با ادامه روند عدم انتشار آمار توسط بانک مرکزی، گزارش‌های تحلیلی مرکز پژوهش‌ها از زمستان ۱۳۹۷ به بعد بر اساس داده‌های مرکز آمار صورت خواهد گرفت.

دلیل استفاده از داده‌های شاخص قیمت مصرف‌کننده بانک مرکزی توسط مرکز پژوهش‌های مجلس، سابقه بیشتر تولید این داده توسط بانک مرکزی و در نتیجه داده‌های تاریخی بیشتر و فراهم کردن امکان مقایسه و میانگین‌گیری و همچنین در دسترس بودن داده شاخص قیمت به تفکیک ریز اقلام بوده است. با این حال بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ تورم محاسباتی توسط مرکز آمار و بانک مرکزی همبستگی بالایی دارند. همان طور که اشاره شد در این مطالعه از آمارهای منتشره مرکز آمار استفاده شده و در پیوست نیز توضیحاتی پیرامون اختلاف بین نرخ تورم مرکز آمار و بانک مرکزی ارائه شده است.

این گزارش به تحلیل عوامل اثرگذار بر نرخ تورم در سه‌ماهه زمستان ۱۳۹۷ می‌پردازد. به این منظور در قسمت اول مروری بر تغییرات نرخ تورم در سه‌ماهه زمستان ۱۳۹۷ صورت خواهد گرفت. در بخش دوم عوامل مؤثر بر نرخ تورم در سه‌ماهه پایانی سال ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفته و در قسمت سوم از این مطالعه به مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نرخ تورم در سال ۱۳۹۸ و به خصوص در ۶ماهه نخست ۱۳۹۸ پرداخته خواهد شد.

## ۱. تغییرات نرخ تورم در سه‌ماهه زمستان ۱۳۹۷

نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ روند پرنوسانی داشته و رکوردهای جدیدی را ثبت کرده است. نرخ تورم نقطه به نقطه تا پایان اسفندماه به حدود ۴۷/۵ درصد رسید. هرچند نرخ تورم میانگین در سال ۱۳۹۷ در حدود ۲۷ درصد قرار گرفته و کمتر از نرخ‌های تورم سال‌های ۱۳۷۳، ۱۳۷۴ و سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ است، اما بالاترین نرخ تورم نقطه به نقطه طی ۲۷ سال اخیر، با ۴۲/۷ درصد مربوط به خرداد سال ۱۳۹۲ بوده و از این رو رقم ۴۷/۵ درصد برای اسفندماه ۱۳۹۷ یک رکورد در نرخ تورم محسوب می‌شود.

در نرخ‌های تورم بالا، نرخ تورم نقطه به نقطه درک بیشتری از واقعیت نسبت به نرخ تورم میانگین به دست می‌دهد. نرخ تورم نقطه به نقطه در هر ماه تغییرات شاخص قیمت در یک ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، نرخ تورم ۴۷/۵ درصدی در اسفندماه به این معناست که هزینه خرید سبد کالای مشابه در اسفندماه ۱۳۹۷ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۶، در حدود ۴۷/۵ درصد افزایش پیدا کرده است، اما نرخ تورم سالیانه، از رشد میانگین شاخص قیمت ماهیانه در یکسال نسبت به میانگین شاخص قیمت در سال گذشته به دست می‌آید. در نرخ‌های تورم بالا، شاخص قیمت در انتهای سال بسیار بالاتر از این شاخص در ابتدای سال بوده و از این رو، میانگین به دست آمده و مقایسه آن با میانگین اعداد سال گذشته، نمی‌تواند معیار دقیقی به دست دهد.

در گزارش‌های پیشین مرکز پژوهش‌ها به تفصیل به دلایل افزایش نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ پرداخته شد. مهم‌ترین دلیلی که در این خصوص می‌توان عنوان داشت، افزایش نقدینگی طی سال‌های گذشته بوده است که به دلیل بالا بودن نرخ سود بانکی به صورت شبه پول<sup>۱</sup> در حساب‌های بانکی انباشت شده و سهم پول یعنی جزء تورم‌زا و سیال نقدینگی از کل نقدینگی را کاهش و سهم شبه پول را افزایش داده بود. این امر طی این سال‌ها باعث ایجاد شکاف بین نرخ رشد نقدینگی (منهای رشد اقتصادی) و نرخ تورم شده بود که انتظار یک تورم فزاینده در آینده‌ای نزدیک را ایجاد می‌کرد. آنچه در سال ۱۳۹۷ رخ داد، تخلیه شدن سهمی از نقدینگی افزایش یافته بر روی تورم بوده است.

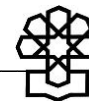
با کاهش نرخ سود بانکی در سال ۱۳۹۶ و انتظار افزایش بازدهی در سایر دارایی‌ها، جابه‌جایی جزئی بین سهم پول و شبه پول از نقدینگی آغاز شد، این امر در کنار تشدید مجدد تحریم‌ها و نوسانات در بازار ارز، به التهاب بازار ارز و اقدامات سفته‌بازانه در این بازار دامن زد و باعث روند افزایشی شدید شاخص قیمت‌ها در سال ۱۳۹۷ شد.

باید توجه داشت که رابطه بین تغییر در ترکیب نقدینگی و بازدهی دارایی‌ها در بازارهای ارز، طلا و مسکن یک رابطه دوسویه است. همان‌طور که اشاره شد، کاهش نرخ سود بانکی و انتظار افزایش بازدهی سایر دارایی‌ها مانند ارز، باعث خروج نقدینگی از حساب‌های بلندمدت بانکی شده و سهم پول از نقدینگی افزایش یافت. این حجم از نقدینگی که به پول تبدیل شده بود، با حرکت به سمت بازارهایی مانند مسکن و ارز، تقاضا در این بازارها را افزایش داد و این دارایی‌ها که به علت ثبات نسبی قیمت طی سال‌های اخیر، زمینه افزایش قابل توجه در نرخ را داشتند، افزایش‌های قابل توجه و بازدهی بالایی را ثبت کردند که همین امر مجدداً باعث تغییر مجدد نقدینگی به نفع «پول» شد.

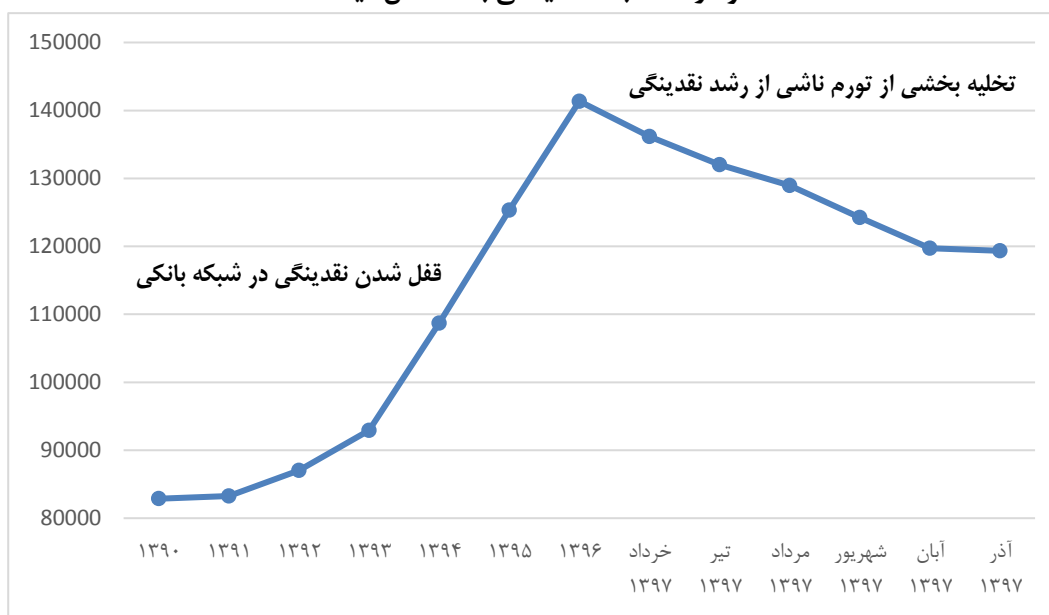
بنابراین در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۷ تحت تأثیر تحولات اقتصادی و افزایش سودآوری در بازارهای سرمایه، تغییر محسوسی در ترکیب نقدینگی رخ داده و سرعت گردش پول افزایش یافت که از عوامل تأثیرگذار بر افزایش نرخ تورم بوده است، اما با گذشت زمان و رشد مجدد نقدینگی از محل شبه پول (که بخشی از آن ناشی از سود پرداختی به سپرده‌های بلندمدت توسط بانک‌هاست) سهم پول از رشد نقدینگی مجدداً کاهش یافت. همچنین ثبات نسبی برقرار شده در بازارهای ارز، مسکن و طلا در پاییز ۱۳۹۷ نیز بر این موضوع اثرگذار بوده است.

برآیند این تحولات در نمودارهای زیر نشان داده شده که رشد تورم از نقدینگی پیشی گرفته و تغییر در ترکیب نقدینگی رخ داده است.

۱. بر اساس تعریف بانک مرکزی، پول شامل اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و سپرده‌های دیداری بخش غیردولتی نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی است و همچنین شبه پول شامل سپرده‌های غیردیداری بخش غیردولتی نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی است (www.tsd.cbi.ir).



### نمودار ۱. نسبت نقدینگی به شاخص قیمت



مأخذ: بانک مرکزی (داده‌های نقدینگی) و مرکز آمار (تورم).

بنابراین به طور خلاصه علت اصلی افزایش شدید نرخ تورم در سال ۱۳۹۷ را باید رابطه بلندمدت نقدینگی و تورم و تخلیه نقدینگی افزایش یافته بر روی تورم دانست که عواملی مانند تحولات بین‌المللی، تحریم‌ها و نوسانات بازار ارز بر آن شدت بخشید. البته روشن است که رشد فزاینده نقدینگی طی سال‌های قبل که بر تورم تخلیه نشده بود، خود زمینه‌ساز نوسانات بازار ارز نیز بوده است. به طوری که تشدید مجدد تحریم‌ها، شرایط را برای بحران در بازار ارز فراهم کرده و نقدینگی که طی این سال‌ها انباشت شده بود، به سمت این بازار روانه شده است.

این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که هرچند به لحاظ اقتصادی و روابط علی و معلولی رابطه بین رشد نقدینگی و تورم کاملاً مشخص است، اما متأسفانه در نرخ‌های تورم بالا، سیاستگذار علاقه‌مند به یافتن علتی بجز علت‌های اقتصادی برای نرخ تورم است.

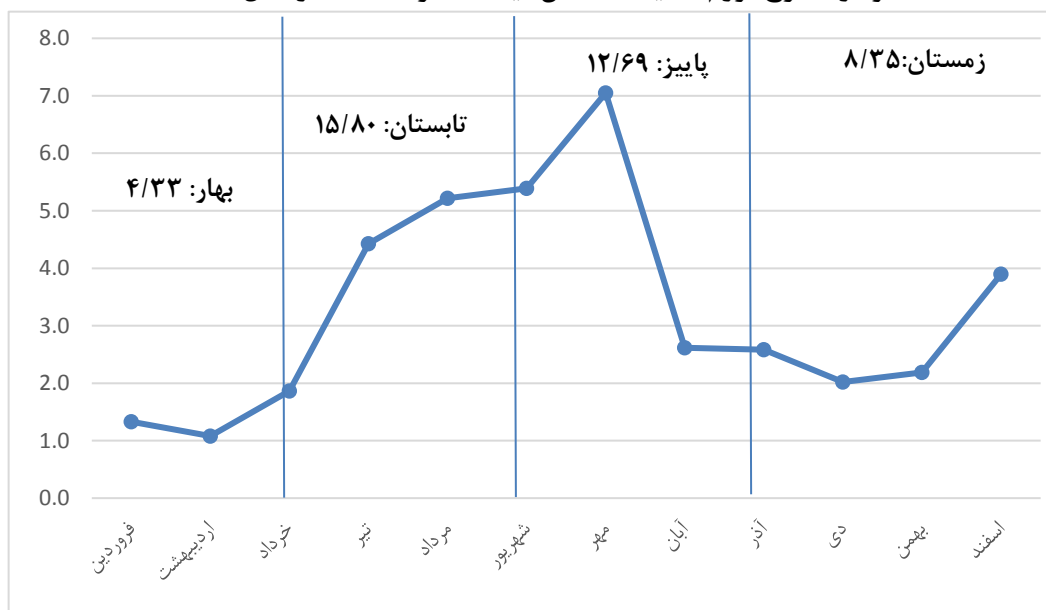
در چنین شرایطی در حالی که برای رشد شدید شاخص قیمت‌ها به جای «تورم» از اصطلاح «گرانی» استفاده می‌شود، به طور معمول سیاستگذار علت را در گرانی‌های تولیدی، ضعف نظارت، دخالت‌های خارجی و اختلال در نظام اقتصادی، محتکران و... جستجو کرده و راه‌حل را در گسترش برخوردهای تعزیراتی، مجازات محتکران و اخلاط‌گران نظام اقتصادی و... می‌بیند. این در حالی است که «گرانی» زمانی رخ می‌دهد که تنها قیمت یک یا چند گروه کالایی به واسطه عواملی مانند قحطی، کمبود مواد اولیه و... افزایش یافته و در مقابل سطح عمومی قیمت‌ها تغییر چندانی ندارد، بلکه تنها قیمت گروه‌های مشخصی نسبت به سایر گروه‌ها افزایش داشته است. اما تورم، افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست که تمامی قیمت‌های اقتصاد افزایش می‌یابد و علت آن هم ایجاد نقدینگی جدید در شرایطی

است که ما به ازای تولید وجود نداشته است. شناخت عوامل اصلی افزایش تورم، به درک بهتر از موضوع و ارائه راهکار برای حل آن کمک می‌کند.<sup>۱</sup>

در کنار عوامل اصلی اثرگذار بر شاخص قیمت‌ها در سال ۱۳۹۷، به طور خاص در سه‌ماهه چهارم سال ۱۳۹۷، شاخص قیمت مصرف‌کننده از ابتدا تا اواسط زمستان ۱۳۹۷ تحت تأثیر دو عامل نسبت به ماه‌های قبل از آن از نوسان کمتری برخوردار بود. عامل اول رشد شدید شاخص قیمت از ابتدای سال بود که باعث کاهش رشد در ماه‌های آتی می‌شود و عامل دوم برقراری ثبات نسبی در بازار ارز پس از نوسان‌های شدید در تابستان و اوایل پاییز ۱۳۹۷ بوده است.

شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان (اسفندماه نسبت به آذرماه) ۸/۳۵ درصد رشد داشته که از این منظر پس از تابستان و پاییز در رتبه سوم قرار دارد. بیشترین رشد شاخص قیمت ماهیانه در مهرماه با ۷/۱ درصد رخ داده و بیشترین رشد شاخص فصلی مربوط به تابستان (شهریورماه نسبت به خردادماه) با ۱۵/۸۰ درصد بوده است.

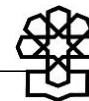
نمودار ۲. نرخ تورم ماهیانه شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۳۹۷



مأخذ: مرکز آمار ایران.

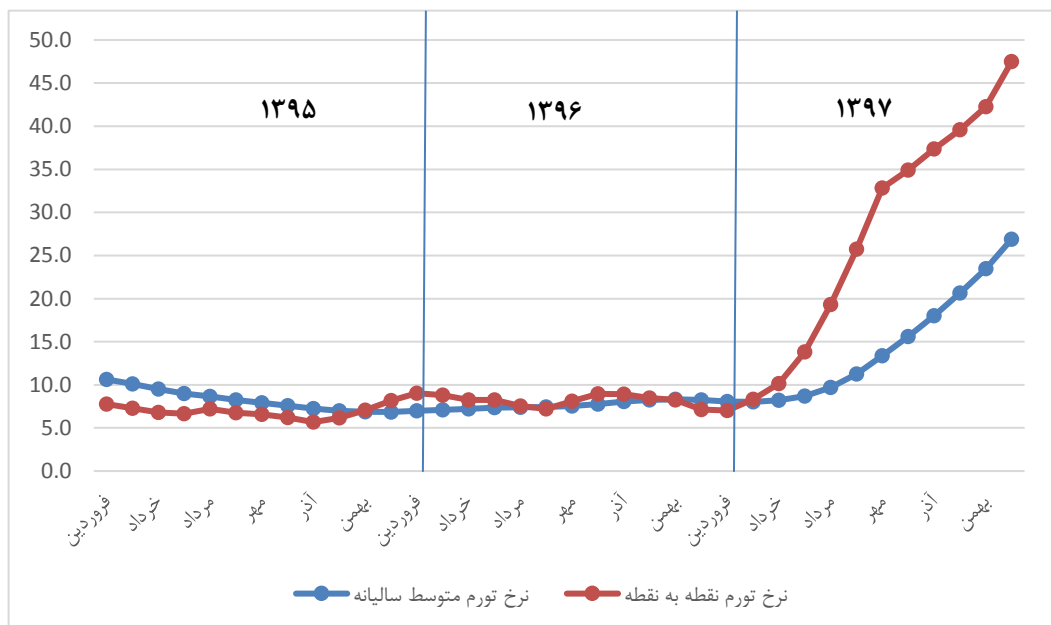
نرخ تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده، از اواسط زمستان به واسطه افزایش مجدد نرخ ارز رو به افزایش گذاشت. نرخ تورم در بهمن‌ماه تحت تأثیر افزایش شدید قیمت خودرو و سایر گروه‌های کالایی افزایش یافته و این روند در اسفندماه ۱۳۹۷ تشدید شد به طوری که نرخ تورم ماهیانه در اسفندماه به ۳/۹ درصد رسید.

۱. البته تحلیل فوق، نافی لزوم برخورد جدی با اخلاک‌گرایان اقتصادی و محتکرانی که از شرایط بی‌ثبات اقتصاد کلان سوءاستفاده می‌نمایند، نیست.



با این تغییرات نرخ تورم نقطه به نقطه به ۴۷/۵ درصد و متوسط نرخ تورم سالیانه به ۲۶/۹ درصد رسیده است.

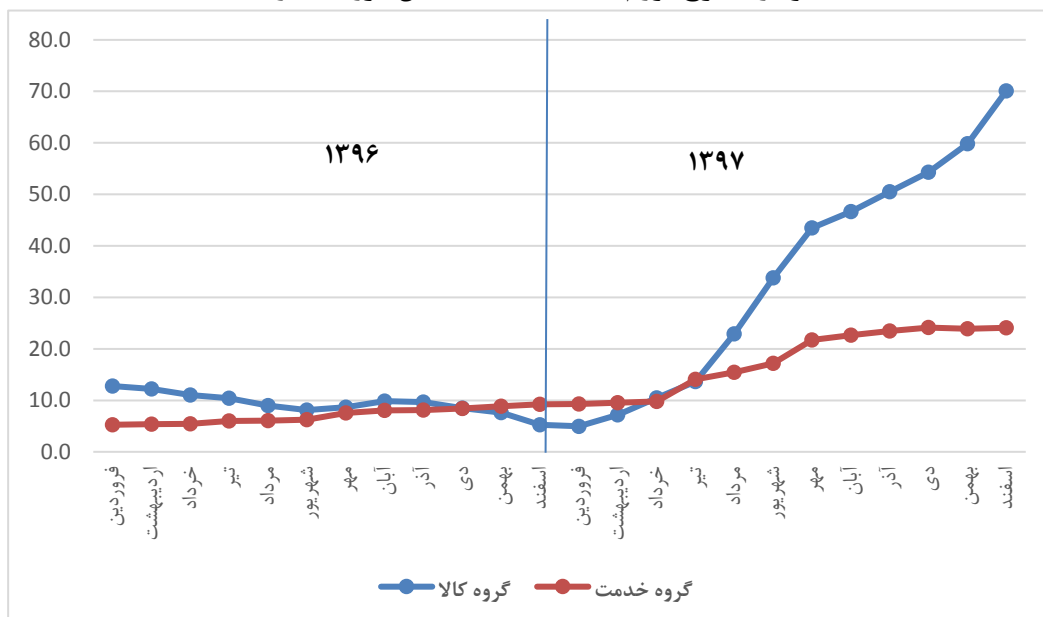
نمودار ۳. نرخ تورم نقطه به نقطه و نرخ تورم متوسط سالیانه مصرف‌کننده



مأخذ: همان.

فاصله قابل توجه نرخ تورم نقطه به نقطه نسبت به نرخ تورم متوسط سالیانه به علت رشد شدید شاخص قیمت در سال ۱۳۹۷ است، در صورتی که از این رشد در سال ۱۳۹۸ کاسته شود، نرخ تورم سالیانه تا پایان سال ۱۳۹۸ افزایش قابل ملاحظه داشته و به نرخ تورم نقطه به نقطه نزدیک خواهد شد. در غیر این صورت مجدداً نرخ تورم نقطه به نقطه بسیار بیشتر از متوسط سالیانه خواهد بود. تفکیک شاخص قیمت به دو گروه شاخص کالا و خدمت نیز قابل توجه است. تقسیم‌بندی به دو شاخص کالا و خدمت، بیانگر اختلاف ۵۰ درصدی بین نرخ تورم نقطه به نقطه گروه کالا و خدمت است که در اسفندماه ۱۳۹۷ رخ داده است. این تفاوت، از بالاترین اختلاف نرخ‌های بین دو گروه کالا و خدمت در چند سال اخیر به شمار می‌رود. شاخص کالا بیشتر تحت تأثیر نرخ ارز قرار داشته و سریع‌تر از شاخص خدمت به تحولات واکنش نشان می‌دهد. شاخص خدمت بیشتر از انتظارات قیمتی تأثیر پذیرفته و چسبندگی بیشتری نسبت به شاخص کالا دارد.

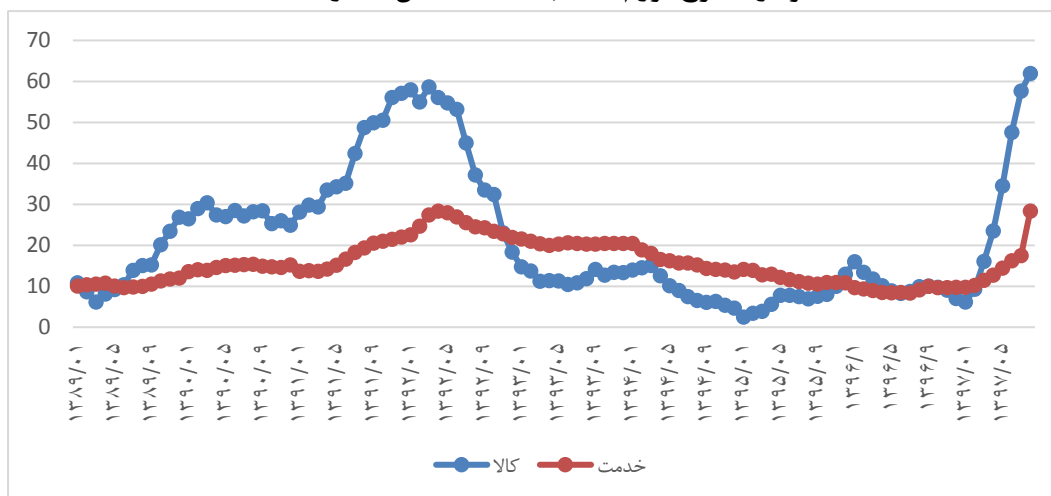
نمودار ۴. نرخ تورم نقطه به نقطه شاخص گروه کالا و خدمت



مأخذ: همان.

رشد شدید شاخص کالا در نمودار ۴ نسبت به شاخص قیمت به خوبی مشخص است. در اسفندماه نیز اختلاف بین رشد شاخص خدمت و شاخص کالا بیشتر شده است. در اسفندماه ۱۳۹۷، شاخص گروه کالا ۶/۴ درصد و شاخص خدمات ۰/۶ درصد رشد داشته است. از آنجایی که شاخص نرخ برخی از خدمات در طول یکسال ثابت است، انتظار می‌رود در فروردین‌ماه شاخص خدمت رشد قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. بررسی داده‌های تاریخی شاخص خدمت نشان می‌دهد که به طور معمول بیشترین رشد شاخص گروه خدمت در تیرماه رخ می‌دهد.

نمودار ۵. نرخ تورم نقطه به نقطه شاخص کالا و خدمت



مأخذ: بانک مرکزی.



همان طور که در نمودار ۵ مشخص است، در بازه تورمی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ نیز شاخص کالا با شدت زیادی از شاخص خدمت پیشی گرفته است. در این دوران نیز افزایش نرخ ارز تأثیر زیادی بر افزایش شاخص قیمت کالا و در نتیجه شاخص قیمت کل داشته است. پس از گذار از دوره تورمی، شاخص خدمت به سمت شاخص کالا تعدیل شده و رشد این شاخص از انتهای سال ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۳۹۵ بالاتر از شاخص گروه کالا قرار گرفته است. بنابراین در صورتی که نرخ تورم در سال ۱۳۹۸ کنترل شود، می‌توان انتظار داشت که شاخص خدمت رشد بیشتری نسبت به شاخص کالا را تجربه کند.

در میان گروه‌های کالایی در زمستان ۱۳۹۷، گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها بیشترین رشد قیمت را داشته و در این میان زیرگروه «گوشت قرمز و گوشت ماکیان» با ۴۰ درصد افزایش در اسفندماه نسبت به آذرماه بیشترین رشد قیمت را ثبت کرده است. در گروه خدمات نیز، «حمل‌ونقل» با ۱۴/۴۳ درصد افزایش در اسفندماه نسبت به آذرماه ۱۳۹۷، بیشترین رشد قیمت را به خود اختصاص داده است.

نگاهی به گروه‌های مختلف شاخص قیمت مصرف‌کننده نشان می‌دهد که رشد پایین شاخص خدمات عمومی در کاهش عدد شاخص خدمت و شاخص کل نقش بسزایی داشته است. به طوری که رشد شاخص قیمت کلیه گروه‌های کالایی بادوام، کم‌دوام و بی‌دوام بیش از رشد شاخص کل است.

شاخص خدمات عمومی در اسفندماه ۱۳۹۷ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۶، ۱۷/۵ درصد رشد داشته که کمترین رشد گروه‌های کالایی و خدماتی در بین اقلام شاخص قیمت مصرف‌کننده است. ضریب اهمیت این گروه در شاخص قیمت مصرف‌کننده ۸/۷۷ درصد بوده و به همین میزان در کاهش رشد شاخص کل مؤثر بوده است.

جدول ۱. نرخ تورم گروه‌های شاخص قیمت مصرف‌کننده

رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده در اسفندماه ۱۳۹۷ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۶	گروه کالا و خدمات
۴۷/۵	شاخص کل
۱۱۴/۰	کالاهای بادوام
۶۴/۸	کالاهای بی‌دوام
۶۵/۹	کالاهای کم‌دوام
۹۶/۴	خوراکی‌های تازه
۴۸/۲	سایر خوراکی‌ها
۲۴/۱	خدمات
۱۷/۵	خدمات عمومی

مأخذ: مرکز آمار ایران.

## ۲. تحلیل عوامل مؤثر بر شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ تورم در زمستان ۱۳۹۷

تغییرات نرخ تورم تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد که می‌تواند در دو زیرفصل کلی عوامل بلندمدت و کوتاه‌مدت قرار گیرد. منظور از عوامل بلندمدت، سیاست‌های پولی و مالی است که بر نرخ رشد شاخص قیمت اثرگذار هستند و منظور از عوامل کوتاه‌مدت، مؤلفه‌هایی است که سطح عمومی قیمت‌ها را تنها برای یکبار تحت تأثیر قرار داده و منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و یا تورم می‌شود. در ادامه به برخی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷ اشاره خواهد شد.

### ۲-۱. عوامل بلندمدت و سیاست‌گذاری‌ها

سیاست‌های پولی و مالی بر تغییرات مستمر شاخص قیمت و یا سطح عمومی قیمت‌ها مؤثر هستند. به عنوان مثال، سیاست مالی که منجر به کسری بودجه شود، بسته به روش تأمین کسری بودجه می‌تواند شاخص قیمت‌ها در طول یکسال و یا حتی سال‌های پس از آن را به طور مستمر افزایش داده و در نتیجه پیامدهای تورمی در پی داشته باشد. همچنین رشد نقدینگی، می‌تواند تورم را تا چندین سال تحت تأثیر قرار دهد. به طوری که نقدینگی افزایش یافته در سال‌های قبل با تغییر در ترکیب آن در سال‌های بعد می‌تواند منجر به تورم شود. عوامل بلندمدت افزایش دائمی در سطح عمومی قیمت‌ها را به همراه دارند و به همین دلیل است که تورم مزمین در یک اقتصاد، ریشه در عوامل بلندمدت و سیاست‌گذاری‌ها دارد. در ادامه به مهم‌ترین عوامل بلندمدت اثرگذار بر شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷ می‌پردازیم.

#### ۲-۱-۱. رشد نقدینگی و تغییر در ترکیب نقدینگی

نقدینگی در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۷ به میزان ۱۵/۳ درصد رشد داشته که از این لحاظ برابر با میزان رشد نقدینگی در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۶ است، اما نرخ رشد شاخص قیمت در این دو بازه زمانی بسیار با یکدیگر متفاوت است. این تفاوت ناشی از دو دلیل اصلی است:

#### الف) تخلیه نقدینگی افزایش یافته بر روی نرخ تورم در سال ۱۳۹۷

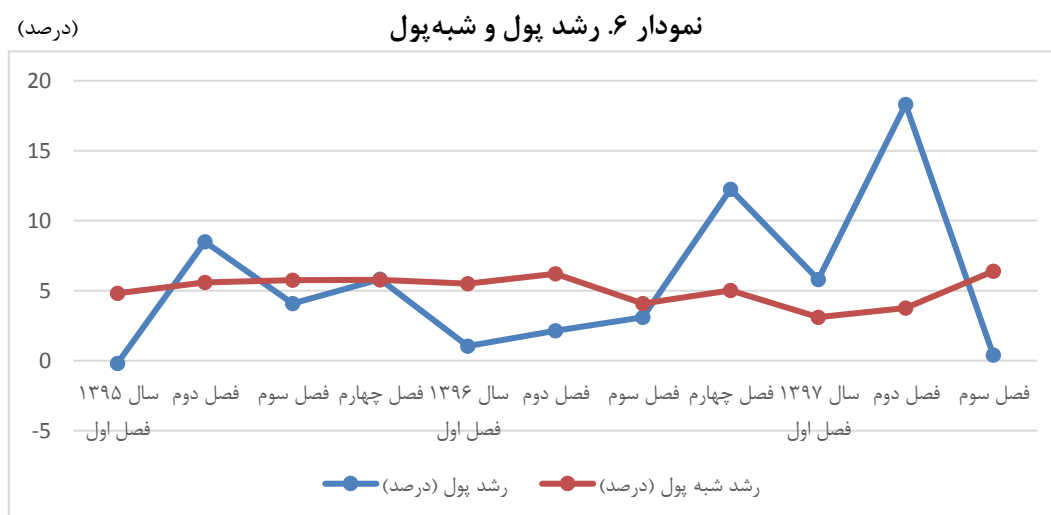
در گزارش‌های پیشین مرکز پژوهش‌ها به تفصیل در خصوص رشد نقدینگی از سال ۱۳۹۳ به بعد و افزایش نرخ بهره حقیقی به خصوص از سال ۱۳۹۴ که منجر به افزایش سهم شبه پول از نقدینگی شده و تخلیه رشد نقدینگی بر تورم را به تأخیر انداخته، پرداخته شد.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک. گزارش «اعسار پنهان در نظام بانکی ایران» شماره مسلسل ۱۵۵۱۴ (شهریورماه ۱۳۹۶) و کتاب اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۵ (منتشر شده توسط مرکز پژوهش‌ها).



### ب) رشد نقدینگی از محل پول و رابطه متقابل آن با جهش نرخ ارز

هرچند رشد نقدینگی در ۹ ماهه نخست دو سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶ با هم برابر بوده، اما کیفیت رشد با هم متفاوت بوده است. در ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۷ نقدینگی بیشتر از محل پول رشد پیدا کرده که تورمزایی بیشتری نسبت به شبه پول دارد.



مأخذ: بانک مرکزی.

در ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۷ رشد پول بسیار فراتر از شبه پول قرار گرفت. این امر هم تحت تأثیر التهاب بازارهای ارز و طلا در ۶ ماه نخست سال بود و هم خود بر افزایش این التهاب مؤثر بود. اما در سه ماهه پاییز مجدداً رشد پول کاهش یافت و همین امر به همراه سایر دلایل مانند کاهش التهاب بازار ارز، بر کاهش نسبی نرخ تورم در این ماه اثر گذاشته است. عوامل متعددی بر رشد بیشتر پول نسبت به شبه پول مؤثر بوده است. کاهش نرخ سود در سال ۱۳۹۶ به تغییر در روابط بین‌المللی و تشدید مجدد تحریم‌ها در کنار ثبات چندساله قیمت دارایی‌ها، منجر شد تا انتظار بازدهی در دارایی‌هایی مانند ارز و طلا نسبت به سپرده‌های بانکی افزایش یابد، این امر در کنار کاهش نرخ سود در سال ۱۳۹۶ بر تغییر سهم پول و شبه پول و تغییر در ترکیب سپرده‌های بانکی مؤثر بود. رشد شدید قیمت ارز و طلا در ۶ ماهه نخست سال و بازدهی بالای این دارایی‌ها، انتظار از بازدهی این نوع از دارایی را در پاییز مجدداً کاهش داده و در نتیجه رشد پول و همچنین سهم آن از نقدینگی مجدداً کاهش یافت.

به طور خلاصه رابطه بین تغییر در ترکیب نقدینگی و بازدهی بازار ارز و طلا یک رابطه دوسویه است. از طرفی کاهش نرخ سود بانکی به همراه انتظار افزایش بازدهی در بازار ارز و طلا، باعث جذابیت بیشتر این دارایی‌ها نسبت به سپرده‌های بانکی شده و سهم پول از نقدینگی را افزایش داده و از طرف دیگر ثبات نسبی این بازارها در پاییز ۱۳۹۷، باعث کاهش مجدد رشد پول و سهم پول از نقدینگی شد.

افزایش قابل توجه نرخ تورم، باعث منفی شدن نرخ سود حقیقی بانکی شده و این امر نیز در تغییر ترکیب نقدینگی به نفع پول در ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۷ مؤثر بوده است. با این حال باید توجه داشت که ریسک بسیار بالای سرمایه‌گذاری در سایر دارایی‌ها بجز سپرده بانکی باعث می‌شود تا از سرعت تبدیل سپرده بانکی به سایر دارایی‌ها کاسته شود.

بنابراین تغییر در ترکیب نقدینگی و افزایش سهم پول از رشد نقدینگی در ۶ ماهه نخست سال تغییر در کیفیت رشد نقدینگی در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۶ را نشان می‌دهد، به طوری که در سال ۱۳۹۷ نقدینگی در مقایسه با سال ۱۳۹۶ بیشتر از محل جزء سیال‌تر و تورم‌زاتر رشد پیدا کرده است. در ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۷، در حدود ۳۴ درصد از نقدینگی جدید ایجاد شده ناشی از پول بوده و این در حالی است که در همین بازه زمانی در سال ۱۳۹۶ تنها ۳/۸ درصد از نقدینگی ایجاد شده را پول تشکیل داده است. موارد عنوان شده در بالا (رشد نقدینگی در سال‌های گذشته و تخلیه نقدینگی بر تورم؛ تغییر در ترکیب نقدینگی و شوک شدید به انتظارات در رابطه با وضعیت آتی قیمت دارایی‌ها و قیمت کالاها در نتیجه تشدید مجدد تحریم‌ها، که خود را در ترکیب نقدینگی منعکس کرده است) دلایل تغییر در نرخ تورم در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶ را نشان می‌دهد، اما آمار مربوط به نقدینگی در زمستان ۱۳۹۷ هنوز منتشر نشده است. انتظار می‌رود که از اواسط زمستان ۱۳۹۷، مجدداً سهم پول از نقدینگی افزایش یافته باشد.

در انتهای بهمن‌ماه ۱۳۹۶ (۲۸ بهمن‌ماه) بانک مرکزی اجازه انتشار اوراق گواهی سپرده با نرخ ۲۰ درصدی را برای بانک‌ها صادر کرد که این فروش تا ۱۰ اسفندماه ادامه داشت. عدد دقیقی از میزان اوراق فروشرفته توسط بانک‌ها تاکنون ارائه نشده است. بر اساس اعلام بانک مرکزی در هفته اول در حدود ۱۰۱ هزار میلیارد تومان اوراق به فروش رفته است.<sup>۱</sup> در صورتی که فرض کنیم در مجموع در دو هفته فروش، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان اوراق گواهی سپرده یکساله به فروش رفته باشد، این ۱۵۰ هزار میلیارد تومان جزء «شبه‌پول» از نقدینگی است. این مقدار از اوراق گواهی فروشرفته در سال ۱۳۹۶، در دو ماه بهمن و اسفند ۱۳۹۷ به نرخ ۲۰ درصد سررسید شده و از شبه‌پول به پول تبدیل شده‌اند.

در حقیقت در زمان سررسید شدن، ۱۵۰ هزار میلیارد تومان قبلی، از شبه‌پول به پول تبدیل شده است. ۳۰ هزار میلیارد تومان نیز به واسطه سود این اوراق، به حجم پول افزوده می‌شود (که البته در چارچوب منابع و مصارف دولت لحاظ می‌شود و لزوماً به معنای خلق پول جدید نیست). حال انتخاب با صاحبان اوراق سپرده است که اصل و سود دریافتی را مجدداً به صورت شبه‌پول سرمایه‌گذاری و یا به صورت پول نگهداری کنند. در صورتی که تمام خریداران اوراق تصمیم داشته باشند که پول دریافتی را

۱. خبر بانک مرکزی، مورخ ۷ اسفندماه ۱۳۹۶.



به صورت پول نگه داشته و سرمایه‌گذاری مجدد در حساب‌های بلندمدت نکنند، در این صورت ۱۸۰ هزار میلیارد تومان (۱۵۰ هزار میلیارد تومان اصل سپرده به علاوه ۲۰ درصد سود آن) به حجم «پول» اضافه خواهد شد. این در حالی است که کل «پول» موجود در اقتصاد تا پایان آذرماه ۱۳۹۷، در حدود ۲۴۴ هزار میلیارد تومان از مجموع ۱۸۰۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی کل کشور بوده است. در حال حاضر آماری در خصوص حجم «پول» اضافه شده در بهمن‌ماه و اوایل اسفندماه ۱۳۹۷ در دسترس نیست، اما افزایش شدید نرخ تورم در اسفندماه و تلاطم بازار ارز در این ماه، می‌تواند از نشانه‌های افزایش قابل توجه نقدینگی در دو ماه بهمن و اسفند و به خصوص از محل جزء تورم‌زای نقدینگی یعنی «پول» باشد.

رابطه بین نرخ سود بالا، تغییر در ترکیب نقدینگی، تورم و مجدداً افزایش نرخ سود، چرخه معیوبی است که در نهایت به طور پیوسته می‌تواند منجر به تورم‌های بالای دوره‌ای شود. در حال حاضر اتفاقی که به واسطه انتشار اوراق سپرده سرمایه‌گذاری عام یکساله و پس از آن سررسید شدن این اوراق در زمستان سال ۱۳۹۷ رخ داد، یعنی افزایش نقدینگی ناشی از سود تعلق گرفته به اوراق گواهی و همچنین تغییر در ترکیب نقدینگی که پیامدهای تورمی آن در اسفندماه ۱۳۹۷ نمود پیدا کرد، نمونه‌ای کوچک از رابطه بین افزایش نقدینگی در اثر نرخ سود بالا و جهش ارزی و پیامدهای تورمی پس از آن است. به طوری که به نظر می‌رسد بخشی از جهش ارزی در انتهای زمستان ۱۳۹۷ ناشی از نقدینگی اضافه شده و تغییر در ترکیب نقدینگی در اسفندماه بوده است.

این اتفاقی بود که در سال‌های اخیر به خصوص از سال ۱۳۹۴ به بعد نیز رخ داده بود. تا پیش از جهش ارزی سال ۱۳۹۷، نرخ‌های سود بالا ناشی از ناترازی بانک‌ها بود، اما در شرایط فعلی، بانک‌ها برای جلوگیری از روند رو به رشد تبدیل سپرده‌های مدت‌دار به «پول» و همچنین نرخ تورم بالا، نرخ‌های سود بالاتری را پیشنهاد می‌دهند تا بتوانند با سودآوری در بازار سایر دارایی‌ها رقابت کنند، این امر تورم را برای مدتی (در شرایط فعلی بسیار کوتاه‌مدت) کنترل کرده و مجدداً تورم‌های بالاتر را در پی خواهد داشت، بنابراین چرخه‌ای معیوب از نرخ سود بالا، ناترازی بانکی، شوک ارزی و تورم رخ می‌دهد.

## ۲-۱-۲. کسری بودجه

ارقام کسری بودجه ۹ ماهه سال ۱۳۹۷ رشد قابل توجهی را نسبت به سال قبل نشان می‌دهد. در بخش هزینه‌های جاری و درآمدها (درآمد مالیاتی و سایر درآمدها) رقم هزینه‌های دولت به شدت از درآمدهای دولت فاصله گرفته است. در حالی که رقم مصوب برای کسری تراز عملیاتی ۵۸/۸ هزار میلیارد تومان بوده، عملکرد این رقم برای نه‌ماهه ۱۳۹۷، ۱۰۲/۶۹ هزار میلیارد تومان، یعنی ۱/۷۴ برابر رقم مصوب بوده است. کسری تراز عملیاتی در این بازه زمانی نسبت به سال قبل ۳۵/۶ درصد رشد را نشان می‌دهد.

این ارقام در حالی است که میزان بدهی دولت به بانک مرکزی در همین بازه زمانی نیز رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. هرچند در خصوص بدهی دولت به بانک مرکزی تا پایان سال نمی‌توان اظهار نظر قطعی داشت و بخشی از بدهی دولت به بانک مرکزی ممکن است تا پایان سال تسویه شود، با این حال بدهی دولت در آذرماه ۱۳۹۷ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۶ در حدود ۶۲/۸ درصد رشد داشته است.

در مجموع در ۹ ماهه ۱۳۹۷، میزان بدهی دولت به بانک مرکزی از ۲۶/۹ هزار میلیارد تومان به ۴۳/۷۹ هزار میلیارد تومان رسیده که به معنای افزایش ۱۶/۸۹ هزار میلیارد تومانی بدهی دولت به بانک مرکزی در ۹ ماهه ۱۳۹۷ است. نکته قابل توجه آنکه از این میزان، ۶/۹۴ هزار میلیارد تومان یعنی در حدود ۴۱ درصد از بدهی دولت به بانک مرکزی در سه‌ماهه پاییز ۱۳۹۷ ایجاد شده است.

پایه پولی طی ۹ ماهه نخست سال ۱۴/۴۲ درصد رشد داشته که از این میزان ۱۰/۴۸ واحد درصد ناشی از رشد خالص دارایی خارجی بانک مرکزی، ۳/۵ واحد درصد ناشی از رشد خالص بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی، ۸/۳۰ واحد درصد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و ۷/۸۶- درصد ناشی از خالص سایر اقلام بوده است.

در یک نگاه کلی‌تر به بدهی‌های دولت، خالص واگذاری دارایی‌های مالی در ۹ ماهه ۱۳۹۷ نسبت به ارقام مصوب آن به مراتب بیشتر است. طی ۹ ماهه ۱۳۹۷، خالص واگذاری دارایی‌های مالی ۴۵ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به ۲۴/۴ هزار میلیارد تومان رقم مصوب ۹ ماهه، ۸۰ درصد بیشتر است.

### الف) عوامل کوتاه‌مدت

عوامل کوتاه‌مدت، به عواملی گفته می‌شود که بر روی سطح شاخص قیمت اثرگذار هستند. یعنی تغییر آنها برای یکبار می‌تواند منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و در نتیجه تورم را برای یکبار افزایش دهد. به عنوان مثال، تورم وارداتی که ناشی از افزایش قیمت جهانی کالاست یکبار منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها شده و تورم را برای همان بازه افزایش می‌دهد. برخی عوامل مانند نرخ ارز، ماهیتاً اثر کوتاه‌مدت بر نرخ تورم را دارند، یعنی افزایش نرخ ارز با کامل شدن گذر ارز بر روی تورم، بر روی نرخ تورم اثر گذاشته و افزایش دائمی (یعنی برای چند دوره پیاپی) سطح عمومی قیمت‌ها را در پی ندارد. هرچند همان طور که پیش از این اشاره شد، برخی عوامل مانند نرخ ارز از آنجایی که در سال ۱۳۹۷ به طور مستمر در حال نوسان بوده است، اثری بیش از یکبار افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها داشته است.

#### ۱. نوسانات نرخ ارز

نوسان مجدد در بازار ارز در بهمن و اسفندماه هرچند خود معلول افزایش نقدینگی و به خصوص سهم «پول» از نقدینگی بوده است و نرخ تورم نیز به خودی خود از افزایش نقدینگی اثر پذیرفته، اما افزایش نرخ ارز نیز مجدداً بر نرخ تورم اثرگذار است. اثر افزایش نرخ ارز بر روی تورم از چند منظر است. اول آنکه همان طور که اشاره شد، رابطه بین ترکیب نقدینگی و نرخ ارز یک رابطه دوسویه است. افزایش نرخ ارز تغییر در



ترکیب نقدینگی به نفع پول را به همراه داشته که سرعت گردش پول را افزایش داده و پیامدهای تورمی در پی دارد. همچنین تغییرات نرخ ارز بر شاخص قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده نیز اثرگذار است. نرخ ارز در زمستان از محدوده ۱۲ هزار تومان خارج شده و حتی تا کانال ۱۴ هزار تومان نیز پیش رفت. افزایش نرخ ارز به طور مستقیم بر شاخص قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده اثرگذار است. افزایش نرخ ارز در بهمن‌ماه، از عوامل مؤثر بر افزایش قیمت خودرو بوده که خود در افزایش شاخص قیمت بهمن‌ماه مؤثر بوده است. به طور کلی در نرخ‌های تورم بالا به منظور حفظ ارزش پول، تقاضا برای کالاهای بادوام افزایش یافته و قیمت این کالاها افزایش می‌یابد.

## ۲. قیمت کالاهای اساسی

افزایش قابل توجه قیمت کالاهای اساسی در زمستان بر افزایش شاخص کل قیمت در این فصل نیز اثرگذار بوده است. همان طور که در گزارش‌های پیشین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، یعنی گزارش تحلیل تورم تابستان ۱۳۹۷ (شماره مسلسل ۱۶۱۶۵) و گزارش ارزیابی نتایج تخصیص ارز با نرخ ترجیحی (شماره مسلسل ۱۶۲۸۴) پیش‌بینی شده بود، رشد قیمت کالاهای اساسی (۲۵ قلم کالای اساسی که با نرخ ۴۲۰۰ تومان به ازای هر دلار وارد می‌شوند) در زمستان شدت گرفته و قیمت این کالاها تا حد زیادی به قیمت بازار (قیمتی که کالا با ارز نیما و حتی ارز بازار آزاد وارد شود) نزدیک شد.

جدول ۲. رشد قیمت برخی کالاهای اساسی شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷

عنوان کالا	ضریب اهمیت	درصد رشد در زمستان	تأثیر در رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده
برنج خارجی درجه یک	۰/۷	-۲/۶۷	-۰/۰۲
گوشت گوسفند	۱/۱۵	۴۹/۶۴	۰/۵۷
گوشت گاو یا گوساله	۲/۳۱	۳۸/۰۲	۰/۸۸
مرغ ماشینی	۱/۸	۳۲/۳۶	۰/۵۸
تخم مرغ ماشینی	۰/۵۵	-۱۶/۲۷	-۰/۰۹
روغن مایع	۰/۵۷	۲/۰۲	۰/۰۱
لوبیا چیتی	۰/۵۱	۳/۴۸	۰/۰۲
عدس		۰/۵۵	
شکر	۰/۳۶	۴۰/۴۶	۰/۱۵
چای خارجی بسته‌ای	۰/۳۵	۲/۸۰	۰/۰۱
جمع / میانگین	۸/۳	۱۵/۰۵ (میانگین)	۲/۱۱

مأخذ: مرکز آمار ایران - متوسط قیمت خرده‌فروشی برخی اقلام در اسفندماه ۱۳۹۷.

توضیح: با توجه به آنکه دیتای مربوط به ضریب اهمیت اقلام ریز شاخص قیمت مصرف‌کننده توسط مرکز آمار انتشار عمومی ندارد، از اقلام ضرایب اهمیت مورد استفاده بانک مرکزی استفاده شده است.

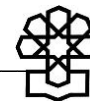
هرچند ضریب اهمیت استفاده شده در جدول ۲ متفاوت با ضریب اهمیت سبد مرکز آمار است، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ تورم برآورد شده توسط مرکز آمار و بانک مرکزی تا ۸۵ درصد دارای همبستگی است و از این رو استدلال بر اساس نتایج بالا، دور از واقعیت نیست. بر اساس جدول ۲ شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان تنها به واسطه اقلام موجود در این جدول که در فهرست کالاهای اساسی قرار دارند، ۲/۱۱ درصد رشد پیدا کرده است.

با توجه به رشد ۸/۳۵ درصدی شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان، ۱۷/۶۱ درصد از رشد این شاخص ناشی از رشد قیمت کالاهای اساسی مصرفی (و نه همه ۲۵ قلم کالای اساسی که در شاخص قیمت تولیدکننده نیز قرار دارد) بوده است. این در حالی است که وزن این اقلام در شاخص کل تنها ۸/۳ درصد بوده است. بنابراین رشد قابل ملاحظه کالاهای اساسی موجود در شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز، که به دلیل تعدیل قیمت این کالاها با نرخ ارز در بازار آزاد رخ داده، از جمله عوامل مؤثر بر رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷ بوده است.

### ۳. عوامل مؤثر بر تورم در سال ۱۳۹۸

نرخ تورم و نوسانات آن در یکسال گذشته به خوبی نمایانگر وضعیت بی‌ثبات اقتصاد ایران است. با توجه به این وضعیت شاید مهم‌ترین سؤالی که پیش روی فعالان اقتصادی باشد این است که عدم ثبات در نرخ تورم تا چه زمان ادامه خواهد داشت؟ آیا سال ۱۳۹۸ از روند پرنوسان شاخص قیمت کاسته خواهد شد؟ به نظر می‌رسد مهم‌ترین عاملی که بر نرخ تورم در سال ۱۳۹۸ اثرگذار است، سیاستگذاری دولت و نحوه برخورد دولت با موضوع چگونگی تأمین کسری بودجه است. چگونگی تأمین کسری بودجه با در نظر گرفتن این مهم باید صورت گیرد، که کاهش بی‌ثباتی در محیط اقتصاد کلان در سال ۱۳۹۸، نیازمند اجرای برخی سیاست‌هاست که چگونگی اجرای این سیاست‌ها توسط دولت و نحوه تعامل آن با کسری بودجه، به شدت بر نوسانات نرخ ارز در سال ۱۳۹۸ و نیمه نخست آن مؤثر خواهد بود. باید توجه داشت که سیاست مالی دولت، بر سیاست پولی و سیاست ارزی نیز اثرگذار است. یعنی دو عامل وضعیت رشد نقدینگی و نرخ ارز که هر دو از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر نرخ تورم در سال ۱۳۹۸ هستند، از سیاست مالی دولت و چگونگی تأمین کسری بودجه تأثیر می‌پذیرند.

مسلماً کیفیت تصمیم‌گیری و اجرا در سه نهاد مهم اقتصاد، یعنی سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین‌کننده این امر مهم هستند که بی‌ثباتی اقتصاد کلان و به خصوص بی‌ثباتی در شاخص قیمت مصرف‌کننده چه زمانی متوقف شود. با نگاهی به مسیر سیاستگذاری در اقتصاد ایران می‌توان به اهمیت کیفیت تصمیم‌گیری و اجرا در این نهادها پی برد.



به دنبال حدود یک دهه توسعه بانکداری خصوصی در کنار سیاست‌های ضعیف پولی و به ویژه نظارتی بانک مرکزی، در ابتدای دهه ۹۰، تعداد زیادی بانک که از نظر کیفیت دارایی وضعیت نامساعدی داشتند، به جا ماند. از طرف دیگر رشد قابل توجه نقدینگی شرایط را برای شوک ارزی مهیا کرد، تا اینکه تحریم‌ها و تغییر در شرایط بین‌المللی جرقه این بی‌ثباتی را زد.

پس از شوک ارزی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، به دلیل سیاست‌های نادرست پولی و ضعف شدید نظارت بانک مرکزی، وضعیت ناترازی شبکه بانکی وخیم‌تر شد و عملکرد کند و ضعیف بانک مرکزی برای اصلاح نظام بانکی، موجب شد نقدینگی رشد قابل توجهی را تجربه کند؛ البته اثر تورمی این افزایش نقدینگی به دلیل بالا بودن نرخ‌های بهره بانکی طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ ظاهر نشد و موجب انباشت تورم و ظهور آن در سال‌های بعد گردید. این حجم از نقدینگی مجدداً شرایط را برای شوک ارزی مهیا کرده بود و منتظر جرقه‌ای برای جهش بود که زمزمه تشدید مجدد تحریم‌ها، این جرقه را زد. این افزایش نرخ ارز که ابعاد کم‌سابقه‌ای هم داشت، اثر زیادی بر سطح عمومی قیمت‌ها و قیمت دارایی‌ها گذاشته و بر این اساس توزیع درآمد را به شدت بدتر کرد، در حالی که توزیع درآمد یک بار هم به دنبال بحران ارزی قبلی دچار شوک منفی شده بود.

در شرایط کنونی هرچند اصلاح نظام بانکی از ضروریات غیرقابل اجتناب است، اما فوری‌ترین و مهم‌ترین تهدید برای روند تورمی شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۳۹۸ شیوه تأمین مالی کسری بودجه دولت و به دنبال آن سیاست پولی بانک مرکزی برای کنترل رشد نقدینگی است که در ادامه به هریک از این موارد پرداخته می‌شود.

### ۳-۱. کسری بودجه و سیاست مالی

در سال ۱۳۹۸ بودجه از چند منظر می‌تواند با کسری مواجه شود.

#### ۳-۱-۱. کاهش درآمدها

تحریم‌ها و به خصوص تحریم نفتی ایران می‌تواند باعث کاهش قابل توجه درآمدهای دولت و به خصوص درآمدهای ارزی از محل فروش نفت خام شود. در حالی که هزینه‌های جاری دولت قابلیت کاهش چندانی ندارد، کاهش شدید درآمدها کسری بودجه را در پی خواهد داشت. اینکه این کسری چطور تأمین شود، اثر مستقیم بر نرخ تورم خواهد داشت.

موضوع اصلی که در خصوص کاهش درآمدها مطرح است، تحریم نفتی به منظور به صفر رساندن صادرات نفت ایران است. در حالی که هزینه‌های دولت بیشتر معطوف به هزینه‌های جاری بوده و کاهش آنها با دشواری‌هایی همراه است، دولت باید استراتژی مشخصی برای جبران درآمدهای کاهش یافته داشته باشد.

تأمین کسری از محل اوراق (بیش از آنچه در لایحه بودجه پیش‌بینی شده است) تنها تورم را از سالی به سال دیگر منتقل خواهد کرد. همچنین روش‌های دیگر تأمین کسری بودجه مانند استقراض از بانک مرکزی و یا استقراض از بانک‌ها که در نهایت منجر به استقراض از بانک مرکزی می‌شود نیز همگی تورم‌زا خواهد بود. هر ۱۰ هزار میلیارد تومان استقراض دولت، از مسیر اوراق، اگر در نهایت توسط بانک مرکزی خریداری شود، می‌تواند به طور متوسط ۳/۸ درصد نرخ تورم را افزایش دهد.<sup>۱</sup>

کسری بودجه در شرایط فعلی باید از کاهش برخی هزینه‌ها و تحقق برخی درآمدهایی که در سال‌های گذشته مورد غفلت قرار گرفته تأمین شود. به عنوان مثال، مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر ارزش زمین، مالیات بر مجموع درآمد خانوار و بازنگری در قیمت‌های حامل‌های انرژی می‌تواند درآمد قابل توجهی در بر داشته باشد. با این حال دولت باید استراتژی مشخصی در خصوص مواجهه با کاهش درآمدها و تأمین کسری بودجه داشته باشد. در این زمینه مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش خلاصه‌ای با عنوان «برنامه اداره کشور بدون نفت» (شماره مسلسل ۱۶۴۶۹) منتشر کرده است که خطوط اصلی برای حذف ارادی نفت از بودجه و تأمین کسری بودجه حتی با فرض صفر شدن صادرات نفت را ترسیم نموده است.

### ۳-۱-۲. سیاست‌های حمایتی

رفتار حمایتی دولت در برابر آسیب‌های ناشی از کاهش قدرت خرید و بحران ارزی و نحوه تأمین منابع مالی لازم برای سیاست‌های حمایتی نیز می‌تواند در سال ۱۳۹۸ منجر به کسری بودجه دولت شود. افزایش شدید شاخص قیمت مصرف‌کننده و نرخ تورم ۴۷/۵ درصدی در کنار رشد اقتصادی منفی، قدرت خرید مردم را کاهش داده که نیازمند توجه جدی به اقشار آسیب‌پذیر است. اجرای یک سیاست حمایتی در این شرایط از اهمیت بالایی برخوردار است، اما نحوه تعامل دولت و چگونگی اجرای آن توسط دولت بسیار مهم بوده و می‌تواند پیامدهای تورمی در پی داشته باشد.

باید توجه کرد که اگرچه شوک ارزی به معنای یک شوک منفی به ثروت کل جامعه است، یعنی جامعه به دلیل شوک منفی به تولید بالقوه کشور، ثروتی را در کل از دست می‌دهد، اما آنچه برای سیاست‌های حمایتی دولت مهم است، بهبود توزیع درآمد است، نه جبران ثروتی که در کل از دست رفته است. در واقع، تحت این شرایط افرادی حتی ثروتمندتر شده‌اند و نیازی به حمایت در شرایط جدید ندارند و بلکه باید بخشی از عایدی خود را به عنوان مالیات به دولت بپردازند. بنابراین هدفگیری مناسب سیاست‌های حمایتی در این شرایط بسیار مهم است.

۱. در صورتی که تمامی اوراق منتشر شده توسط دولت توسط بانک مرکزی خریداری شود، انتشار ۱۰ هزار میلیارد تومان اوراق به معنای افزایش ۱۰ هزار میلیارد تومان پایه پولی است. با ضریب فزاینده ۷، این مقدار افزایش در پایه پولی تبدیل به ۷۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی خواهد شد. در این صورت با اضافه شدن ۷۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی، با توجه به سطح فعلی، رشد ۳/۸ درصدی در نقدینگی رخ خواهد داد. در این صورت با توجه به آنکه اقتصاد در شرایط تورمی است، می‌توان فرض کرد که تمام نقدینگی افزایش یافته بر تورم تخلیه شده و در این صورت نرخ تورم از این منظر ۳/۸ درصد افزایش خواهد یافت.



سیاست‌های حمایتی همگانی مانند پایین نگه‌داشتن قیمت کالاها یا ارز وارداتی و غیره (یارانه‌های پنهان) که همه جامعه را هدف می‌گیرد، پُر هزینه و کم‌نتیجه است، زیرا اگر دولت جبران وضعیت معیشت همه مردم را در نظر بگیرد، هزینه‌ها بسیار بزرگ خواهد شد و در شرایط فعلی به دلیل کاهش درآمد‌هایش، ناگزیر خواهد بود این هزینه‌های گزاف را یا از محل بانک مرکزی تأمین مالی کند، که همان طور که گفته شد، سریعاً بر قیمت‌ها منعکس خواهد شد، یا از طریق انتشار اوراق تأمین مالی کند، که آن هم به دلیل افق نامعلوم بدهی‌های دولت، می‌تواند در آینده کمی دورتر منجر به تورم شود. تعیین صحیح جامعه هدف حمایت و هدفمندسازی یارانه‌ها، می‌تواند صرفه‌جویی در هزینه‌های دولت، تأمین منابع لازم برای سیاست‌های حمایتی و بهینه‌سازی مصرف یارانه‌ها را به همراه داشته باشد به طوری که با صرفه‌جویی در هزینه‌ها میزان اصابت به هدف یارانه نیز افزایش یابد.<sup>۱</sup>

### ۲-۳. رفتار بانک مرکزی در مدیریت شبکه بانکی (سیاست پولی)

مدیریت نقدینگی و نظارت بانکی یکی از اقدامات لازم و البته سخت برای مهار تورم در بازه بلندمدت‌تر است، به گونه‌ای که افزایش نرخ‌های سود، موج جدیدی از تورم را در دوره‌های آتی ایجاد نکند، اما در بازه کوتاه‌تر و نیمه نخست سال ۱۳۹۸ سیاست‌های ارزی بانک مرکزی می‌تواند نقش قابل توجهی داشته باشد. مدیریت صحیح بازار برای کاهش نوسانات نرخ ارز بدون هدر دادن منابع ارزی (خودداری از تزریق این منابع به بازار با نرخ‌های ترجیحی یا به صورت یارانه‌های پنهان) از جمله اقدامات لازم برای حفظ ثبات در بازار ارز است.

در زمینه سیاست پولی نیز توجه به این مسئله ضروری است، که افزایش نرخ سود به امید کنترل تورم، اقدام نادرستی است؛ چراکه افزایش تقاضای خرید دارایی، ناشی از چشم‌انداز بازارهای دارایی است و نرخ‌های سود بانکی به هر میزان هم که افزایش یابند، به سادگی قادر به رقابت با آنها نیستند<sup>۲</sup> و احتمالاً فقط ناترازی بانک‌ها را تشدید می‌کنند و زمینه‌ساز تورم‌های بعدی می‌شوند.

همچنین بانک مرکزی در اجرای وظایف نظارتی خود نیز باید دقت نظر کافی داشته باشد. شفافیت و رصد تراکنش‌های بانکی نیز بر کنترل بازار ارز در شرایط بحرانی و نوسانات شدید بازار بسیار مؤثر است. رصد تراکنش‌های بانکی هم مانع نقل‌وانتقالات مکرر در شرایط پُر نوسان بازار ارز می‌شود و هم به میزان قابل توجهی از خروج سرمایه جلوگیری می‌کند. بانک مرکزی در بند «ح» تبصره «۱۶» قانون بودجه سال ۱۳۹۸ موظف به فراهم نمودن شرایط لازم برای رصد تراکنش‌های بانکی شده است.

۱. برای اطلاع بیشتر در این زمینه به گزارش «سیاست حمایتی جایگزین ارز ترجیحی» مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مراجعه شود.

۲. در حالی که نرخ تورم تا حدود ۵۰ درصد رسیده است، افزایش نرخ سود بانکی تا زیر ۵۰ درصد، باز هم نرخ سود حقیقی منفی را در پی داشته و سپرده‌گذاری در بانک نمی‌تواند به لحاظ بازدهی با بازار کالاهای بادوام یا سایر دارایی‌ها رقابت کند. بنابراین افزایش نرخ سود بانکی تنها منجر به بدتر شدن وضعیت ترازنامه بانک‌ها و افزایش نقدینگی خواهد شد.

## جمع‌بندی

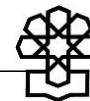
شاخص قیمت مصرف‌کننده در پایان زمستان ۱۳۹۷ نسبت به آذرماه ۱۳۹۷، در حدود ۸/۳۵ درصد رشد داشته که از این منظر پس از پاییز و تابستان در رتبه سوم قرار گرفته است. هرچند نرخ تورم در زمستان در مجموع در رتبه سوم سال قرار گرفته و شاخص قیمت مصرف‌کننده در دی‌ماه با نرخ ۲ درصد رشد، نسبت به ماه‌های گذشته رشد کمتری را ثبت کرده است، اما از اواسط و به خصوص اواخر زمستان، شاخص قیمت مصرف‌کننده روند رو به رشدی داشته و برای اسفندماه رشد ۳/۹ درصدی به ثبت رسیده است.

در میان مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷، می‌توان به افزایش نقدینگی و به طور خاص افزایش سهم پول از نقدینگی اشاره کرد. البته التهاب در بازار ارز که در پی رشد قابل توجه نقدینگی رخ داد، خود زمینه‌ساز تغییر ترکیب نقدینگی بود. هرچند هنوز آمار نقدینگی دوازده‌ماهه منتشر نشده و اطلاع رسمی از ترکیب آن در دسترس نیست، اما مجموع موارد مانند سررسید اوراق گواهی یکساله در اواخر بهمن‌ماه، نوسانات نرخ ارز و... می‌تواند نشان‌دهنده افزایش جزء پول از رشد نقدینگی باشد.

در یک دسته‌بندی کلی، در میان عوامل بلندمدت اثرگذار بر شاخص قیمت مصرف‌کننده، رشد نقدینگی و تغییر در ترکیب آن به عنوان سیاست پولی و کسری بودجه دولت به عنوان سیاست مالی مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رشد شاخص قیمت بوده و در میان عوامل کوتاه‌مدت، نوسانات نرخ ارز، ادامه گذر ارز بر نرخ تورم و همچنین افزایش قیمت کالاهای اساسی در رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده در زمستان ۱۳۹۷ مؤثر بوده است.

به نظر می‌رسد نرخ تورم و شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۳۹۸ بیش از همه تحت تأثیر سیاستگذاری دولت و بانک مرکزی قرار خواهد داشت. شیوه تأمین مالی کسری بودجه مهم‌ترین عاملی است که بر روی شاخص قیمت مصرف‌کننده در سال ۱۳۹۸ تأثیرگذار خواهد بود و در کنار آن سیاست پولی و سیاست ارزی نیز نقش مؤثری خواهند داشت. کاهش درآمدهای ارزی دولت که به واسطه تحریم‌ها رخ می‌دهد، کسری بودجه قابل توجهی را در پی خواهد داشت که لازم است دولت استراتژی مشخصی را برای تأمین کسری بودجه در نظر داشته باشد. در این زمینه مرکز پژوهش‌های مجلس گزارش خلاصه‌ای با عنوان «برنامه اداره کشور بدون نفت» (شماره مسلسل ۱۶۴۶۹) منتشر نموده است که خطوط اصلی برای حذف ارادی نفت از بودجه و تأمین کسری بودجه حتی با فرض صفر شدن صادرات نفت را ترسیم کرده است.

افزایش قیمت قابل توجه دارایی‌ها و افزایش بازدهی آنها در سال ۱۳۹۷، توزیع ثروت و درآمد را نابرابرتر کرده و در حالی که کیک اقتصاد در کل کوچک شده، اما در این میان برخی گروه‌های درآمدی کاهش درآمد بیشتر داشته و برخی گروه‌ها ثروتمندتر شده‌اند. اخذ مالیات از گروه‌هایی که به واسطه



افزایش قیمت دارایی‌ها و همچنین افزایش بازدهی دارایی‌ها ثروتمندتر شده‌اند و بازتوزیع آن در میان گروه‌های نیازمند می‌تواند ضمن بهبود توزیع درآمد در کشور، به تأمین منابع برای سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای کمک کرده و در مقابل بخشی از درآمدهای دولت که برای سیاست‌های یارانه‌ای و به خصوص یارانه پنهان هزینه می‌شود را آزاد نماید.

کنترل نقدینگی توسط بانک مرکزی در سال ۱۳۹۸ بسیار دارای اهمیت است. مدیریت نقدینگی و همچنین نرخ‌های سود، بر نرخ تورم سال ۱۳۹۸ تأثیرگذار هستند و لذا کنترل رشد نقدینگی، خصوصاً از ناحیه رشد ترازنامه بانک‌های ناسالم، ضرورت حیاتی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۸ است. بنابراین در مجموع کیفیت تصمیم‌گیری و اجرا در سه نهاد مهم اقتصادی، یعنی سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و وزارت اقتصاد تعیین‌کننده کیفیت رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده و تداوم یا عدم تداوم روند بی‌ثبات آن در سال ۱۳۹۸ است.

دولت در سال ۱۳۹۸ از ناحیه درآمدها و هزینه‌ها با دو امر بسیار مهم مواجه است. در بخش درآمدها، کاهش درآمد شدید به واسطه تحریم‌ها رخ خواهد داد و در بخش هزینه‌ها علاوه بر هزینه‌های جاری سالیانه لازم است تا دولت به منظور جبران بخشی از رفاه از دست رفته خانوار، سیاست حمایتی جدی به اجرا گذارد که برای دولت هزینه دربر خواهد داشت.

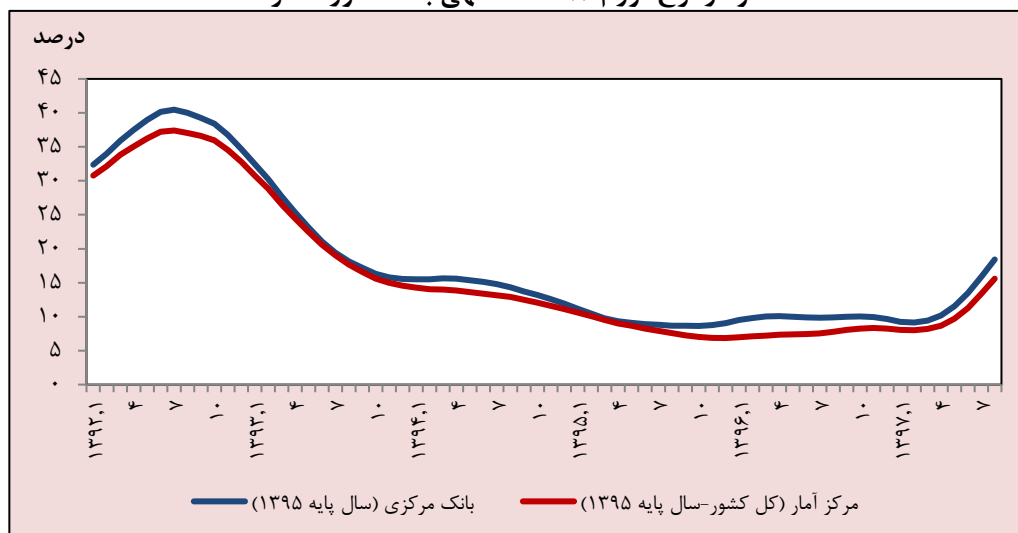
در این میان لازم است تا وزارت اقتصاد پایه‌های مالیاتی جدید به خصوص از گروهی که به واسطه شرایط جدید ثروتمند شدند را شناسایی کند، همچنین سازمان برنامه و بودجه با هدفمندسازی یارانه‌ها باید گروهی را که نیازمند دریافت کمک‌های حمایتی هستند را شناسایی کرده و با حذف سیاست‌های یارانه‌ای و حمایتی که به صورت کور همه اقشار جامعه را هدف می‌گیرد و از کارایی لازم و اصابت به هدف مناسب برخوردار نیست، از هزینه‌های اضافی در این زمینه پرهیز کند.

### پیوست - توضیحاتی پیرامون اختلاف آماری تورم مرکز آمار و بانک مرکزی

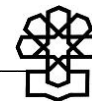
بانک مرکزی و مرکز آمار ایران دو نهاد مستقل از یکدیگر هستند که هر ماه نسبت به انتشار نرخ تورم اقدام می‌نمایند. مرکز آمار نرخ تورم آذرماه سال ۱۳۹۷ را برای کل کشور ۱۸/۰ درصد اعلام کرد در حالی که بانک مرکزی این نرخ را در حدود ۲۱/۲ درصد اعلام نمود؛ اختلاف ۳/۲ واحد درصدی نرخ تورم این دو نهاد موجب گردید بانک مرکزی تا اطلاع ثانوی نسبت به انتشار آمار مربوط به نرخ تورم شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی خودداری نماید.

البته اختلاف نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی و مرکز آمار تنها به آذرماه سال ۱۳۹۷ محدود نمی‌شود؛ همان طور که در نمودار ذیل در این پیوست نیز مشاهده می‌شود این اختلاف تقریباً به طور سیستماتیک بین نرخ‌های تورم بانک مرکزی و مرکز آمار از ابتدای سال ۱۳۹۲ تاکنون وجود داشته به گونه‌ای که در این دوره بانک مرکزی همواره نرخ تورم بالاتری نسبت به مرکز آمار اعلام کرده است. البته گفتنی است که بانک مرکزی نرخ تورم اعلامی را بر اساس هزینه خانوارهای شهری محاسبه می‌نماید در حالی که مرکز آمار نرخ تورم را برای کل کشور اعم از هزینه‌های خانوارهای شهری و روستایی محاسبه می‌کند؛ با این حال مقایسه نرخ تورم خانوارهای شهری مرکز آمار و بانک مرکزی همچنان با یکدیگر اختلاف دارند.

نمودار نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به ماه مورد نظر



شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی از ضرایب اهمیت اقلام مشمول شاخص در سال پایه و قیمت اقلام مشمول شاخص در ماه مورد نظر محاسبه می‌گردد؛ ضرایب اهمیت که همان وزن هر یک از اقلام مصرفی خانوارها را از کل هزینه‌های مصرفی نشان می‌دهد، بر اساس نمونه‌ای از خانوارها و قیمت اقلام



مشمول شاخص با نمونه‌گیری از قیمت کالاها و خدمات جمع‌آوری می‌شود. بنابراین مشاهده می‌شود که تورم شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی برآوردی از جامعه بوده و طبیعی است که چنین برآوردی به دلیل وجود خطاهای مختلف در این زمینه (نمونه‌گیری و غیرنمونه‌گیری) اولاً دقیقاً با خصوصیات جامعه برابر نبوده و ثانیاً این امکان همواره وجود خواهد داشت که دو برآورد مستقل از یکدیگر از تورم (بانک مرکزی و مرکز آمار) نیز با هم برابر نباشند.

تفاوت در نحوه نمونه‌گیری بانک مرکزی و مرکز آمار ایران می‌تواند یکی از علل اختلاف آماره‌های این دو نهاد از تورم باشد. بانک مرکزی نمونه‌های قیمتی خود را هرماه از آمار گروه‌های مختلف شهری شامل شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک واقع در ۳۱ استان، ۳۸۷ قلم کالا و تقریباً ۱۵۰ هزار مظنه قیمتی جمع‌آوری می‌نماید و با مراجعه مستقیم به حدود ۱۷۰۰۰ خانوار به عنوان خانوار نمونه و پرسش در خصوص ریز اقلام و هزینه‌های صورت گرفته توسط آنها در سال پایه مورد نظر، ضرایب اهمیت هریک از ۳۸۷ قلم کالا و خدمت مشمول شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی را برآورد می‌کند.

از نظر بانک مرکزی سبد مصرفی و الگوی خانوار روستایی تفاوت فاحشی با الگوی خانوار شهری ندارد و به همین منظور به آمارگیری مناطق روستایی نمی‌پردازد. اما مرکز آمار مظنه‌های قیمتی را از ۲۳۱ شهر، ۶۲۶ روستا، ۴۷۵ قلم کالا و ۴۲۰ هزار مظنه قیمت تهیه می‌کند. البته یکی دیگر از عواملی که می‌تواند موجب اختلاف نرخ‌های تورم اعلامی توسط بانک مرکزی و مرکز آمار باشد، طول دوره قیمت‌گیری هریک از نهادهای آماری در هر ماه است؛ بانک مرکزی زمان قیمت‌گیری اقلام را از اول هر ماه شروع و تا روز آخر ماه مورد نظر ادامه می‌دهد و معمولاً چهار الی پنج روز پس از پایان یافتن ماه مورد نظر پس از جمع‌آوری داده‌ها، پردازش و کنترل نهایی نسبت به انتشار عمومی آن اقدام می‌نماید. این در حالی است که مرکز آمار قبل از بانک مرکزی و در روزهای نخست ماه بعد تورم را اعلام می‌نماید. در واقع علت اعلام زودهنگام آمار تورم توسط این مرکز آن است که دوره آمارگیری قیمت‌ها از روز اول شروع و در روز بیست‌وپنجم خاتمه یافته و در پنج روز پایانی ماه مورد نظر نسبت به گردآوری و پردازش داده‌ها اقدام می‌گردد.

با همه این اوصاف بررسی آمارهای مربوط به تورم ماهیانه بانک مرکزی و مرکز آمار نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۱۳۹۰ تاکنون که آمار تورم هر دو نهاد بر اساس سال پایه ۱۳۹۵ محاسبه و تولید شده، ضریب همبستگی بالایی در حدود ۸۵ درصد بین آنها وجود داشته که نشان از هم‌حرکتی بالای تورم‌های ماهیانه بانک مرکزی و مرکز آمار است. علاوه بر آن با توجه به آنکه نرخ‌های تورم این دو نهاد هریک آماره‌هایی جهت برآورد خصوصیت اصلی جامعه (تغییرات شاخص هزینه زندگی) هستند، نتایج آزمون‌های آماری نشان می‌دهد میانگین نرخ‌های تورم ماهیانه بانک مرکزی (۱/۵۷) و مرکز آمار (۱/۵۰) از یکدیگر اختلاف معناداری ندارند. با این حال دوگانگی نرخ‌های تورم بانک مرکزی و مرکز آمار همواره و به خصوص در دوره‌های فشار تورمی محل شائبه و گمانه‌زنی بوده و حتی این تفاوت نرخ به یکی از معضلات طراحی

و معرفی یکی از ابزارهای مالی پُرکاربرد که همان اوراق بهادار مصون از تورم می‌باشد شده است. مطابق بند «الف» ماده (۱۰) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به منظور یکپارچه‌سازی، ساماندهی و رفع موازی‌کاری در نظام آماری کشور، مرکز آمار ایران به عنوان مرجع رسمی تهیه، اعلام و انتشار آمارهای رسمی کشور معرفی شده و از طرف دیگر در بند «پ» همین ماده به دستگاه‌های اجرایی (که با صراحت از بانک مرکزی نیز نام برده شده است) اجازه می‌دهد تا در حدود وظایف قانونی خود و در چارچوب ضوابط و استانداردهای مورد تأیید شورای عالی آمار نسبت به تولید آمار تخصصی حوزه مربوط به خود اقدام نمایند.

از طرف دیگر بر اساس ماده (۱۰) قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱ (و آخرین اصلاحات آن)، یکی از اهداف اصلی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران حفظ ارزش پول ملی می‌باشد که همان ثبات سطح عمومی قیمت‌هاست. بنابراین با کنار هم قرار دادن قوانین مرجع کشور می‌توان گفت شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی همانند متغیرهای پولی (پایه پولی، نقدینگی و حجم پول) یکی از تخصصی‌ترین و ضروری‌ترین داده‌های مربوط به بانک مرکزی است که نسبت به تهیه و انتشار آن اقدام می‌نماید. با این حال با توجه به تجربه سایر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه دنیا که تنها یک مرجع آماری دارند ضرورت دارد از طریق قوانین مرجع به منظور جلوگیری از موازی‌کاری و رفع ابهام در آمارهای ارائه شده توسط نهادهای آماری اقدامات لازم صورت پذیرد.

### منابع و مآخذ

۱. مرکز آمار ایران.
۲. بانک مرکزی ایران.
۳. کاویانی، زهرا و محمدرضا عبداللهی. «بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور ۶۱. ارزیابی نتایج اختصاص ارز با نرخ ترجیحی و پیشنهادات اصلاحی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بهمن‌ماه ۱۳۹۷.
۴. کاویانی، زهرا؛ شهبازیان، آرین و نرگس صادقی. «سیاست حمایتی جایگزین ارز ترجیحی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در دست انتشار.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۶۵۱۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: تحلیل تغییرات شاخص قیمت و تورم در زمستان ۱۳۹۷

نام دفتر: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدل سازی)

تهیه و تدوین: زهرا کاویانی

ناظران علمی: محمدرضا عبداللهی، سیدعلی روحانی

اظهار نظر کنندگان: موسی شهبازی غیائی، سیدمهدی حسینی دولت آبادی

متقاضی: \_\_\_\_\_

ویراستار تخصصی: \_\_\_\_\_

ویراستار ادبی: \_\_\_\_\_

واژه‌های کلیدی:

۱. تورم

۲. نقدینگی



تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۴/۱۰